

بررسی تطبیقی - تحلیلی ترجمه قرآن بهرام پور و صفوی بر پایه الگوی انسجام هلیدی و حسن (مطالعه موردی سوره نازعات)

سیدمحمد نقیب*

مرتضی سازجینی**، سیدمحمد موسوی***

چکیده

مباحث زبان‌شناسی از دیرباز توجه دانشمندان اسلامی را برانگیخته است. از جمله مباحث زبان‌شناسی، بررسی میزان توانایی انتقال مفاهیم متن به مخاطب است و برای بررسی این موضوع، نظریات مختلفی ارائه شده است. در این مقاله، با تکیه بر یکی از نظریات نوپا و پراقبال دانشمندان اسلامی، یعنی نظریه تکامل یافته انسجام متن هلیدی و حسن (۱۹۸۵ م)، انسجام متنی دو ترجمه مشهور قرآن، ترجمه صفوی (۱۳۸۸ ش) و بهرام پور (۱۳۸۷ ش) بررسی شده است. انسجام در سه سطح دستوری و واژگانی و پیوندی درخور تأمل و بررسی است. در میان پژوهش‌های انجام گرفته در این موضوع، بررسی میزان کارایی دو ترجمه بهرام پور و صفوی با رویکردی تطبیقی - تحلیلی رویکردی جدید برای اعتبارسنجی ترجمه‌های حاضر قرآن کریم است. بنابراین، در این پژوهش با به کار گرفتن این نظریه در دو ترجمه مذکور و به مدد روش آماری، توفیق و مطابقت بیش تر ترجمه صفوی با نظریه هلیدی و حسن در سوره نازعات به سبب کاربست بیش تر عوامل انسجام دستوری در متن یعنی ارجاع و حذف و جانشینی مشاهده می‌شود و بر این اساس، می‌توان ترجمه صفوی را در چهارچوب این نظریه منسجم تر از ترجمه بهرام پور دانست.

کلیدواژه‌ها: انسجام، بهرام پور، ترجمه قرآن، صفوی، هلیدی و حسن.

* استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم (نویسنده مسئول)، amin200057@yahoo.com
** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، mortaza.1370@chmail.ir
*** کارشناس تفسیر قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، seyedmosavi1375@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۱۲

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، ترجمه‌های مختلفی از قرآن کریم نوشته شده است و هر یک ویژگی‌های منحصر به فردی دارند که از یک‌دیگر متمایز می‌شوند. یکی از مباحث مهم در این زمینه، شناسایی ترجمه‌های عالمانه و متبحرانه از دیگر ترجمه‌هاست. قرآن کریم، در جایگاه متنی الهی و همگانی نزد جهانیان، باید به گونه‌ای ترجمه شود که کسانی که توانایی فهم متون عربی را ندارند، به معنا و مراد الهی به درستی دست یابند. قرآن کریم به سه شیوه تحت‌اللفظی، آزاد، و تفسیری ترجمه می‌شود. معرفت، درباره شیوه‌های ترجمه قرآن، توضیح می‌دهد:

۱. ترجمه تحت‌اللفظی: به این صورت است که مترجم، به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد را جای‌گزین می‌کند. جمله‌ها و ترکیب‌بندی‌های کلام را، یک‌به‌یک، کلمه‌به‌کلمه، تعویض و تبدیل می‌کند و تا پایان همین‌گونه ادامه می‌دهد؛
 ۲. ترجمه آزاد: در این روش، مترجم سعی می‌کند معنایی را از قالبی به قالب دیگر بریزد تا معنای مقصود کاملاً آدا شود؛ یعنی بی‌کم‌وکاست مراد متکلم برگردانده شود و حتی المقدور الفاظ و کلمات متن اصلی و ترجمه مطابق هم و جای‌گزین هم باشد و در صورتی که امکان نداشته باشد، دست به تقدیم و تأخیر و کم‌وزیاد کردن برخی عبارات می‌زند. چه بسا، یک یا چند کلمه بر عبارت می‌افزاید، نه چندان زیاد، تا معنا به خوبی روشن شود. این‌گونه ترجمه را ترجمه معنوی نیز می‌گویند؛
 ۳. ترجمه تفسیری: مترجم به شرح و بسط مطالب می‌پردازد، منتها به زبان دیگر غیر از زبان اصل، مانند تفاسیر فارسی یا دیگر زبان‌ها نسبت به قرآن کریم (معرفت ۱۳۷۹: ج ۱، ۱۱۵).

ترجمه کاملاً تحت‌اللفظی هرگز مطلوب نیست، زیرا در عبارات طولانی و کتاب‌های علمی ممکن نیست. ترجمه تفسیری محض نیز از حد ترجمه بیرون است و ترجمه خوبی تلقی نمی‌شود. بنابراین، ترجمه آزاد ترجمه مطلوبی خواهد بود (همان: ۱۱۶).

از مباحث مطرح در زمینه زبان‌شناسی نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند است و روش تحلیل انسجام متن روش جدیدی است که به وسیله آن به انسجام متن و ساختار آن و سرانجام میزان انتقال مفاهیم به مخاطب تأکید می‌شود. نقش‌گرایی در بررسی زبان رویکردی است که می‌کوشد تا زبان را نه در درون خود و به‌طور ذاتی و برحسب امکانات صورتی‌اش توضیح دهد، بلکه در تلاش است تا رابطه‌اش را با نظام‌های بزرگ‌تری بررسی کند که آن را در خود گرفته‌اند. خواه این نظام‌های بزرگ‌تر «فرهنگ» نامیده شود، خواه «نظام‌های اجتماعی» یا «نظام‌های اعتقادی» یا نام‌های دیگر. در کل، مطالعات نقش‌گرایی رابطه میان

زبان با آنچه را زبان نیست جست‌وجو می‌کند (فتوحی ۱۳۹۰ ش: ۱۴۷). از صاحب‌نظران مکتب نقش‌گرای نظام‌مند می‌توان هایمز (Hymes 1967)، گرایس (Herbert Paul Girisce 1975)، کونو (Kuno 1977) را نام برد و مهم‌ترین نظریه‌پرداز این مکتب مایکل هلیدی است. نظریه انسجام مایکل هلیدی به‌هم‌راه نظریه هماهنگی انسجامی رقیه حسن از نظریه‌هایی است که امروزه، کاربست فراوانی در نقد آثار دارد و معیار سنجش بسیاری از آثار است.

باتوجه به این که قرآن کریم کلام وحی و راه ارتباط مردم با این کلام الهی و متن وحیانی است، ضروری می‌نماید که ترجمه قرآن، براساس قابلیت‌های زبان فارسی، عاری از هرگونه ابهام و اشکال و نارسایی در انتقال مفاهیم و ارتباط برقرارکردن با مخاطب باشد. باتوجه به اهمیت این موضوع، این پژوهش قصد دارد تا ترجمه قرآن ابوالفضل بهرام‌پور و ترجمه قرآن سیدمحمدرضا صفوی را، که از ترجمه‌های مشهور قرآن کریم به‌شمار می‌روند، تحلیل و ارزیابی کند.

ازجمله نظریاتی که می‌توان آن را ترازویی برای نقد متون ترجمه دانست، نظریه مایکل هلیدی و رقیه حسن برپایه الگوی انسجام متنی است. در این نظریه، راه‌های انتقال مفهوم به مخاطب شناسایی می‌شود و میزان برقراری ارتباط متن با مخاطب ارزیابی می‌شود. درنتیجه، با کاربست این نظریه بر دو ترجمه بهرام‌پور و صفوی در سوره «نازعات» و بررسی تطبیقی - تحلیلی آن‌ها، می‌توان دو ترجمه یادشده را از این منظر مقایسه کرد تا مشخص شود در کدام ترجمه ابزار انسجام بیش‌تری به کار رفته است و توزیع ابزار انسجام در این دو ترجمه چه تفاوت‌هایی دارد. این پژوهش بر آن است تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. برپایه نظریه انسجام هلیدی و حسن، تنوع و بسامد ابزارهای انسجام دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور چه قدر است؟
۲. باتوجه به کارکرد عوامل انسجام در پیوستگی متن، کدام‌یک از ترجمه‌ها به‌لحاظ انسجام متنی در انتقال مفاهیم سوره نازعات تفوق بیش‌تری دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر، تحقیقات بسیاری در حوزه مباحث انسجام با تکیه بر نظریه هلیدی و حسن با رویکردی قرآنی و حدیثی نوشته شده است که در ادامه، تعدادی برای نمونه معرفی می‌شود. «انسجام واژگانی در قرآن»، نوشته مرجان مرآت (۱۳۹۰ ش)، در این تحقیق،

ساختار موضوعی سوره «نور» تحلیل شده و حاصل تحقیق آن که تغییر در الگوی انسجام واژگانی قادر به تبیین پیوستگی و ارتباط آیات سوره نور نیست؛ «کارکرد ادات ربطی در انسجام بخشی به خطبه های نهج البلاغه»، نوشته علیرضا نظری (۱۳۹۲ ش)، در این پژوهش، به اثبات بسامد بالای ادوات ربطی در نهج البلاغه پرداخته شده و باتوجه به حجم بالای آن ها، تصویر و سبک شناسی قابل اتکایی از کارکرد این ادوات در کل نهج البلاغه به دست آمده است؛ «بررسی نقش عامل تکرار در انسجام بخشی به خطبه های نهج البلاغه براساس الگوی انسجام هلیدی و حسن»، نوشته خلیل پروینی و علیرضا نظری (۱۳۹۳ ش)، در این تحقیق، به یکی از عوامل انسجام، یعنی تکرار، پرداخته شده و حاصل پژوهش آن که در خطبه های نهج البلاغه گونه های تکرار دیده می شود و میزان تکرار مستقیم بیش تر از بقیه است و در حوزه تکرار یک واژه نیز، نام جلاله «الله» بیش از هر واژه دیگر تکرار شده است و در کانون خطبه ها قرار دارد؛ «تحلیل عناصر نقش مند در انسجام بخشی به ساختار آوایی متن قرآن»، نوشته احمد پاشازانوس و علیرضا نظری و مریم فولادی (۱۳۹۴ ش)، در این تحقیق، فقط سطح آوایی در تعدادی از عوامل آوایی چون سجع، جناس، موازات، التزام، ترصیع، و تصدیر در سوره های «قمر»، «الرحمن»، «واقعه» مدنظر بوده است و حاصل پژوهش آن که سجع نقش مؤثری در ارتباط میان آیات و یک پارچه ساختن تمام متن سوره ایفا کرده است و در مقابل، ترصیع کم ترین تأثیر را داشته است.

اخیراً، پژوهش هایی در مورد ترجمه های قرآن براساس نظریه هلیدی و حسن انجام گرفته که به این قرارند: «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام»، نوشته معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۲)، در این تحقیق، نویسنده با بررسی ترجمه صفارزاده براساس الگوی مدنظر به این نتیجه رسیده است که باتوجه به درصد بالای انسجام و شباهت متن مقصد به مبدأ در نحوه کاربست عوامل انسجام، مترجم در انتقال مفاهیم سوره موفق بوده است؛ «بررسی تطبیقی ارجاع به عنوان یکی از عوامل انسجام متنی در نهج البلاغه (مطالعه مورد پژوهانه ترجمه فارسی و انگلیسی طاهره صفارزاده)، نوشته کلتوم صدیقی و عاطفه ستایش مهر (۱۳۹۴ ش)، در این تحقیق، فقط به بحث ارجاع پرداخته شده و حاصل تحقیق آن که مترجم به سبب آشنایی کامل به سه زبان عربی و انگلیسی و فارسی متونی منسجم ارائه کرده است، اما به لحاظ تعداد ارجاعات در متن اصلی و ترجمه های فارسی و انگلیسی تفاوت معناداری دارد و این صرفاً به جهت ساختار دستوری زبان های مقصد است؛ «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن برپایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن»، نوشته غلامحسن اورکی و الخاص ویسی (۱۳۹۵ ش)، در

پژوهش یادشده، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای تحلیل و بررسی شده است و نتیجه پژوهش آن که کاربست عوامل دستوری و واژگانی، هر دو متن سوره ناس و ترجمه فارسی انسجام بسیاری دارند و بیش‌ترین عناصر انسجام واژگانی‌اند؛ «ارزیابی مقایسه‌ای ابزارهای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمدمهدی فولادوند: ازدیدگاه نظریه هلیدی و حسن»، نوشته محمدتقی زندوکیلی و محمدحسن امرایی (۱۳۹۶ ش)، این تحقیق براساس الگوی تکامل‌یافته هلیدی و حسن انجام گرفته و حاصل پژوهش آن که به‌رغم وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر دستوری و واژگانی متون مبدأ و مقصد، هر دو متن منسجم تبیین شده‌اند و البته بسامد تعامل واژگانی الفاظ، به‌عبارتی انسجام در سوره، بیش‌تر از ترجمه منتخب است؛ «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هلیدی و حسن»، نوشته محمدحسن امرایی، غلام‌عباس رضایی هفتادار، و محمدتقی زندوکیلی (۱۳۹۶ ش)، این پژوهش در روش و نتیجه مشابه مقاله زندوکیلی و امرایی (۱۳۹۶ ش) است.

تا آن‌جایی که نویسندگان مقاله حاضر آگاهی دارند، در هیچ‌یک از مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند، تاکنون پژوهشی درباره بیان تطبیقی - تحلیلی دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور از سوره نازعات انجام نگرفته است و از این جهت، مقاله حاضر در نوع خود پژوهشی نو به‌شمار می‌رود.

۳. چهارچوب نظری

در تبیین این پژوهش، لازم است تا درباره چپستی و چگونگی نظریه هلیدی و حسن توضیح داده شود. هلیدی از محققانی است که در روابط بین جمله‌ای متن و ساختار متنی در زبان انگلیسی مطالعات گسترده‌ای انجام داده و به نظریه‌ای دست یافته است که با زبان‌شناسی به‌نام رقیه حسن توانست روابط بین جمله‌ای را «انسجام» نام‌گذاری کند و کتابی با این موضوع به‌قلم این دو زبان‌شناس به‌نام *Cohesion in English* منتشر شده است.

از نظر هلیدی، انسجام مفهومی معنایی است که به روابط موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به‌مثابه یک متن مشخص می‌سازد (لطفی‌پور ساعدی ۱۳۷۱ ش: ۱۱۰). هلیدی و حسن، در سال ۱۹۷۶ م، ابزارهای انسجام‌دهنده در متن انگلیسی را به سه دسته تقسیم کردند: ۱. ابزارهای دستوری که عبارت‌اند از ارجاع، جای‌گزینی، حذف؛ ۲. ابزارهای واژگانی که عبارت‌اند از تکرار و هم‌آبی؛ ۳. ابزارهای پیوندی که حروف ربط‌اند. از این‌رو،

این دو محقق روابط بین جمله‌ای را انسجام متنی نامیده‌اند (Halliday and Hasan 1976: 4). از دیدگاه هیلدی و حسن، انسجام متنی چنین تعریف می‌شود: «انسجام مفهوم معنایی است که به روابط موجود در متن می‌پردازد، آن را به‌عنوان یک متن از غیرمتن جدا و مشخص می‌سازد» (ibid.).

از نظر رقیه حسن، انسجام برای متن لازم است، ولی کافی نیست (Hasan 1984: 210). از نظر وی، انسجام فقط منحصر به یافتن عوامل انسجام نیست، بلکه باید پس از یافتن این عوامل به تبیین ارتباط دوسویه آن‌ها با یکدیگر، براساس دستور زبان نقش‌گرا، همت گماشت. رقیه حسن بر این نظر است که در ساخت یک متن، فقط عناصر دستوری و واژگانی مهم نیستند، بلکه به‌هم‌پیوستگی آن‌ها نیز باید مدنظر قرار گیرد و این همان هماهنگی انسجامی در متن است. به‌سخن دیگر، «انسجام با دست‌یابی به چگونگی پیوستگی یک متن از طریق قرارگرفتن این زنجیره‌ها در کنار یکدیگر و ارتباط متقابل آن‌ها با یکدیگر با استفاده از دستور زبان نقش‌گرا میسر است» (سارلی و ایشانی ۱۳۹۰ ش: ۵۹).

انسجام در عناصر زبانی هم‌چون ارجاع و حذف و جانشینی، که در درون زبان نهفته‌اند، قرار دارد، اما برای تشخیص بالفعل آن در هر مورد به عناصری دیگر نیاز دارد که به شکل‌گیری «گره» و سرانجام به «زنجیره» می‌انجامد. به‌سخن دیگر آنچه یک عنصر را با عنصرهای دیگر انسجامی مرتبط می‌کند، «گره» نامیده می‌شود: «گره در تحلیل عوامل انسجام در متن، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است» (Halliday and Hasan 1985: 73).

این مقاله بر نظریه هیلدی و حسن استوار شده و عوامل انسجام در متن را با این رویکرد تحلیل می‌کند. بنابراین، ضروری است که پیش از شروع تحلیل، به تشریح این عوامل پرداخته شود.

۴. عوامل انسجام متنی

در این بخش، عوامل انسجام متنی برطبق نظریه هیلدی و حسن و براساس انسجام دستوری و واژگانی و پیوندی توضیح داده می‌شود.

۱.۴ انسجام دستوری

انسجام دستوری به‌واسطه مؤلفه‌های حذف، ارجاع، جانشینی، و ربط اجرا می‌شود که در ادامه هر یک شرح داده خواهند شد.

نخست، درباره ارجاع می‌توان گفت که در فرایند ارجاع، درک و تفسیر بعضی از کلمات با رجوع به عناصر دیگر امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، زمینه فهم کلمه دیگر را فراهم می‌کند (معین‌الدینی ۱۳۸۲ ش: ۳۰۶). آنچه مورد ارجاع قرار می‌گیرد یا خارج از چهارچوب کلام است و یا در درون آن. بنابراین، با سه نوع ارجاع سروکار داریم: ۱. ارجاع درون‌متنی، ۲. ارجاع برون‌متنی، ۳. ارجاع بینامتنی (مهاجر و نبوی ۱۳۷۶ ش: ۶۴). در ارجاع برون‌متنی معنا از خود متن برداشت نمی‌شود، بلکه با رجوع به موقعیت خاصی که مؤلف از آن سخن می‌گوید، می‌توان به معنا پی برد، اما در ارجاع درون‌متنی مرجع عنصر ارجاع‌دهنده در متن قرار دارد (شعبانلو و دیگران ۱۳۸۷ ش: ۱۷۰). از این رو، یکی از عوامل انسجام در متن عبارات و ادوات ارجاعی است که ارجاع با ضمائر و اسم‌های اشاره و امثال آن حاصل می‌شود. دوم، جانشینی است که از زیرمجموعه‌های تشخیص انسجام در متن است و در آن به جای تکرار یک حالت و صورت خاصی در متن، از واژه ای دیگر استفاده می‌شود و عنصر جانشین شده می‌تواند اسم، فعل و یا جمله باشد. سوم، حذف است بدین معنا که اگر بخشی از متن ذکر شده باشد، دیگر به تکرار آن نیاز نیست و ذکر هیچ جانشینی برای آن هم لازم نیست. حذف نیز مانند جانشینی می‌تواند به سه دسته تقسیم شود: حذف اسمی، حذف فعلی، و حذف جمله‌ای. پس، عنصر حذف شده می‌تواند «اسم»، «فعل»، و «حرف» باشد.

۲.۴ انسجام واژگانی

بربنای یک تقسیم‌بندی می‌توان انسجام واژگانی را به واسطه مؤلفه‌های تکرار و هم‌آیی دسته‌بندی کرد. به سخن دیگر، در انسجام واژگانی به تحقق واژگان در متن از طریق تکرار و هم‌آیی پرداخته می‌شود و انسجام بر اثر حضور واژگان مشابه برقرار می‌شود و بر واحدهای واژگانی زبان، که به لحاظ محتوایی باهم مرتبط‌اند، استوار می‌شود. در تحلیل دقیق این بخش، ذکر این نکته لازم است که هراندازه بسامد واژگانی کلمات خاص بیش‌تر باشد، نشان می‌دهد که موضوع و محتوای سوره در محور آن واژگان حرکت می‌کند (Halliday and Hasan 1985: 310).

تکرار از ابزارهای انسجام‌بخشی متن است که طی آن عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شود. تکرار در قالب‌هایی متفاوت هم‌چون «ترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی»، و «رابطه جزء و کل» جلوه می‌کند (مهاجر و نبوی ۱۳۷۶ ش: ۷۰). هم‌آیی

ابزار دیگر انسجام واژگانی است که به «تناسب واژگانی» یا همان «هم‌آیی» اطلاق شده و منظور از هم‌آیی در عناصر انسجام مجاورت یا به هم مرتبط بودن عناصر واژگانی معینی در یک متن است. به سخن دیگر، عامل هم‌آیی در محور هم‌نشینی به کار می‌آید؛ مثلاً در زبان فارسی، میان غروب و مغرب یا طلوع و خورشید رابطه نزدیکی برقرار است. بدین سان سطحی از نزدیکی واژگانی در هر زبانی دریافت می‌شود که یکی از نتایج آن تمایل واژه‌های معین به هم‌آیی است. مثلاً، هرگاه غروب و مغرب هم‌جوار شوند، انسجام‌آفرین‌اند و یا مثلاً در متنی، واژگانی چون داور و بازی‌کن و خطا باعث برقراری نوعی انسجام واژگانی می‌شوند (آقاگل‌زاده ۱۳۸۵ ش: ۱۰۸). در واقع، برقراری ارتباط معنایی بین واژگان به تشکیل هم‌نشینی منجر می‌شود که انسجام متن را در پی دارد؛ مانند «صراط المستقیم».

۳.۴ انسجام پیوندی

منظور از انسجام پیوندی برقراری ارتباط معنایی و منطقی بین جملات متن است. انسجام پیوندی به چهار نوع اضافی (افزایشی)، سببی (علی)، تقابلی، و زمانی تقسیم شده است (لطفی‌پور ساعدی ۱۳۷۱ ش: ۱۱۴). برای تشخیص آن در متن، به این کلمات باید توجه کرد. پس، اضافی افزایشی «یا»، «نه»، «وگرنه»، «گرچه»، تقابلی «اما»، «لیکن»، «ولی»، اضافی سببی «پس»، «بنابراین»، «زیرا»، «تا»، اضافی زمانی «وقتی که»، «هنوز»، «آن‌گاه» خواهد بود (شعبانلو و دیگران ۱۳۸۷ ش: ۱۷۲).

ارتباط اضافی زمانی رخ می‌دهد که جمله‌ای مطلبی را به محتوای جمله پیشین اضافه کند. این جمله اضافی می‌تواند جنبه توضیحی و تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد. ارتباط سببی زمانی رخ می‌دهد که روی‌داد فعل یک جمله با روی‌داد دیگر جملات ارتباط سببی و علی داشته باشد. این ارتباط شامل روابط علت، نتیجه، هدف، و شرط است. ارتباط تقابلی زمانی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله برخلاف انتظاراتی باشد که جمله پیشین درقبال موقعیت متکلم و مخاطب پدید می‌آورد. سرانجام، ارتباط زمانی هنگامی رخ می‌دهد که نوعی توالی زمانی میان روی‌دادهای دو جمله برقرار باشد (یارمحمدی ۱۳۸۳ ش: ۵۹).

۵. سیمای کلی سوره نازعات

پیش از ورود به بررسی تطبیقی نظریه هلیدی و حسن و شناسایی میزان کارآمدی دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور، به‌اجمال با بهره‌گیری از این نظریه سوره نازعات معرفی می‌شود.

سوره «نازعات» از سوره مکی و براساس تدوین فعلی سوره قرآن جزء هفتادونهمین سوره قرآن کریم است و ۴۶ آیه را در بر دارد. در این سوره، خبرهای مؤکدی از وقوع قیامت آمده و از طریق تدبیر ربوبی، که نتیجه‌اش تقسیم‌شدن مردم به دو دسته بهشتی و دوزخی است، بر وقوع آن استدلال می‌شود. در آخر، با پرسش از رسول خدا (ص) که چه هنگام قیامت است و پاسخ این سؤال سوره ختم می‌شود و از سیاق این سوره برمی‌آید که در مکه نازل شده است (طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۲۰، ۱۷۸).

۶. بررسی تطبیقی - تحلیلی انسجام ترجمه‌های بهرام پور و صفوی

در این بخش، سعی بر آن است که دو ترجمه بهرام پور و صفوی بررسی شود. سپس، میزان انسجام هر دو ترجمه با توجه به مبانی نقش‌گرای نظام‌مند تحلیل شود و سرانجام، میزان انسجام آن‌ها با توجه به نظریه هیلیدی و حسن آشکار شود. ارجاع در ترجمه صفوی و بهرام پور در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. ارجاع در ترجمه صفوی و بهرام پور از آیات ۱ تا ۴۶ سوره نازعات

ترجمه صفوی	ترجمه بهرام پور
آنان (فرشتگان) (۱) / آنان (فرشتگان) (۳) / آن (روز) (۶) / آن (بانگ) (۷) / آن (روز) (۸) / شان (بدون مرجع) (۹) / آنان (بدون مرجع) (۱۰) / ما (خداوند) (۱۳) / آن (زنده کردن) (۱۳) / آن‌ها (مردگان) (۱۳) / تو (پیامبر) (۱۵) / ش (موسی) (۱۶) / او (موسی) (۱۶) / وی (موسی) (۱۶) / او (فرعون) (۱۷) / او (فرعون) (۱۷) / او (فرعون) (۱۸) / آن (سر) (۱۹) / تو (فرعون) (۱۹) / ت (فرعون) (۱) / اش (پروردگار) (۱۹) / او (فرعون) (۲۰) / او (موسی) (۲۱) / م (فرعون) (۲۴) / او (فرعون) (۲۵) / شما (منکران) (۲۷) / آن (آسمان) (۲۷) / ش (آسمان) (۲۸) / آن (آسمان) (۲۸) / ش (آسمان) (۲۹) / آن (آسمان) (۳۰) / آن (زمین) (۳۱) / ش (زمین) (۳۱) / تان (بدون مرجع) (۳۳) / این (جهان) (۳۴) / آن (بزرگ‌ترین هنگامه) (۳۴) / آن (روز) (۳۵) / آن (کس) (۳۷) / او (کس) (۳۹) / آن (کس) (۴۰) / ش (کس) (۴۰) / او (کس) (۴۱) / تو (پیامبر) (۴۲) / تو (پیامبر) (۴۳) / آن (روز) (۴۳) / تو (پیامبر) (۴۴) / او (پروردگار) (۴۴) / آن (قیامت) (۴۴) / ش (قیامت) (۴۴) / تو (پیامبر) (۴۵) / آنان (مشرکان) (۴۶) / آن (قیامت) (۴۶) / شان (مشرکان) (۴۶) / آن (روز) (۴۶).	آنان (فرشتگان) (۵) / آن (زلزله) (۶) / آن (زلزله) (۷) / آن (روز) (۸) / شان (بدون مرجع) (۹) / ما (بدون مرجع) (۱۰) / آن (بدون مرجع) (۱۲) / تو (بدون مرجع) / ش (موسی) (۱۶) / او (موسی) (۱۶) / او (فرعون) (۱۷) / من (موسی) (۱۹) / تو (فرعون) (۱۹) / ت (فرعون) (۱۹) / وی (فرعون) (۲۰) / او (فرعون) (۲۱) / من (فرعون) (۲۴) / ام (مردم) (۲۴) / او (فرعون) (۲۵) / شما (بدون مرجع) (۲۷) / ش (آسمان) (۲۷) / ش، آن (آسمان) (۲۸) / ش (آسمان) (۲۹) / آن (بدون مرجع) (۳۰) / ش، آن (بدون مرجع) (۳۱) / شما، تان (بدون مرجع) (۳۳) / آن (مصیبت) (۳۴) / آن (روز) (۳۵) / آن (بدون مرجع) (۳۷) / او (بدون مرجع) (۳۹) / آن (کس) (۴۰) / ش (کس) (۴۰) / او (کس) (۴۱) / تو (بدون مرجع) (۴۲) / ش (رستاخیز) (۴۲) / تو (بدون مرجع) (۴۳) / آن (رستاخیز) (۴۴) / تو (بدون مرجع) (۴۵) / آن (رستاخیز) (۴۵) / آن (رستاخیز) (۴۶) / شان (بدون مرجع) (۴۶).

باتوجه به این مطلب که «ارجاع» از عوامل انسجام متنی است، در دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور عبارات و جملات مورد بحث شناسایی و جداسازی و مقایسه شد که با دقت در جدول ۱ معلوم است که ضمایی مانند «من» و «او» مرجع برون‌متنی دارند و می‌توان فقط با رجوع به بافت متن آن‌ها را شناسایی کرد:

۱. «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ. فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرَةِ وَالْأُولَىٰ» (نازعات: ۲۴ - ۲۵): و گفت: منم برترین پروردگار شما. پس خدا او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت. پس، مرجع این ضمائر در متن وجود ندارند و یا مخاطب را به جست‌وجو و تفحص و دقت در متن واداشته تا بتواند از سیاق و بافت کلام مرجع را بیابد. البته، در ترجمه صفوی فقط یک‌بار چنین ارجاعی دیده می‌شود و این به فراخور کل متن تأثیر چندانی در انسجام کل ترجمه سوره ندارد. نکته مهمی که در ارجاع باید مدنظر قرار گیرد آن‌که ارجاعی انسجام‌آور است که درون‌متنی باشد و ارجاع درون‌متنی می‌تواند قبل از ضمیر یا پس از آن قرار گیرد.

در ترجمه صفوی، ارجاع درون‌متنی بسیاری دیده می‌شود. در بعضی جملات، عنصر ارجاع‌دهنده در ابتدای جمله آورده شده، سپس همواره در سراسر ترجمه به آن ارجاع داده شده است؛ برای نمونه، به این جملات دقت کنید:

۲. «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بِنَاهَا. رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا. وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا. وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا. أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا» (نازعات: ۲۷ - ۳۱): ای منکران رستاخیز، آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا آفرینش آسمان که خدا آن را بنا کرده است؟ سقفش را برافراشت و آن را موزون ساخت. و شبش را تاریک کرد و روزش را آشکار نمود. و زمین را پس از آفرینش آسمان و سامان‌دادن آن گسترانید. آب آن را با شکافتن چشمه‌ها از آن درآورد و جاری ساخت و گیاهش را رویانید (ترجمه صفوی).

در این مثال، آسمان و زمین مرجع ضمائر متصل‌اند که در ادامه تکرار می‌شود و این ارجاع‌های پیوسته به متن انسجام بخشیده است.

در نمونه زیر ضمیر «تو» به پیامبر ارجاع داده می‌شود:

۳. «فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا. إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا. إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِّنْ يَّخْشَاهَا» (نازعات: ۴۳ - ۴۵): ای پیامبر، در خاطره تو از حقیقت رستاخیز چیست و از آن‌چه می‌دانی تا زمان وقوع آن را بدانی؟ امر قیامت تنها به پروردگار تو بازمی‌گردد و اوست که حقیقت آن و هنگام وقوعش را می‌داند. پس خبردادن از زمان قیامت بر عهده تو نیست، تو فقط هشداردهنده‌ای و کسی را هشدار می‌دهی که درخور ترس از رستاخیز باشد (ترجمه صفوی).

یا در نمونه زیر خداوند در آیات قرآن احوال روز قیامت را توصیف کرده و نخست به رستاخیز اشاره داشته است. در ادامه، ترجمه به آن روز ارجاع می‌دهد و ویژگی‌های آن را بیان می‌کند. این تکرار به ترجمه انسجامی ویژه می‌بخشد:

۴. «فَالْمُذْبِرَاتِ أَمْراً. يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ. تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ. قُلُوبٌ يُومَئِدُ وَاجِفَةً» (نازعات: ۵ - ۸):
و کار جهان را تدبیر می‌کنند. به همه این‌ها سوگند که شما برانگیخته خواهید شد؛ در آن روز که صیحه‌ای بزرگ رخ دهد. و از پی آن بانگی دیگر برخیزد. آن روز که چنین شود، دل‌هایی بلرزند (ترجمه صفوی).

انسجام دیگر در متن ترجمه، هنگامی رخ داده است که در ابتدا پیش‌مرجع ضمیر «تو» در متن ذکر شده است، سپس پس‌مرجع ضمیر بیان شده است که این خود نوعی انسجام در متن برقرار می‌کند:

۵. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا. فِيهَا أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا» (نازعات: ۴۲ - ۴۳): مشرکان به تمسخر از تو می‌پرسند: قیامت چه زمانی برپا می‌شود؟ ای پیامبر، در خاطره تو از حقیقت رستاخیز چیست؟ و از آن چه می‌دانی تا زمان وقوع آن را بدانی (ترجمه صفوی).
ضعف انسجامی در ترجمه بهرام پور ناشی از ذکر نکردن مرجع ضمیر در متن است. به سخن دیگر، ضمائر «من»، «تو»، «او»، «آن» در اغلب موارد بدون صورت ذکر مرجع بیان شده‌اند که خواننده را در هنگام مطالعه ترجمه به تعب و سختی می‌اندازد؛ برای مثال:

۶. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا. فِيهَا أَنْتَ مِنْ ذِكْرَاهَا. إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا. إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَنِ يَخْشَاهَا» (نازعات: ۴۱ - ۴۵): آیا داستان موسی به تو رسیده است؟ از تو درباره رستاخیز می‌پرسند که برپایش کی است؟ تو را با سخن گفتن در آن چه کار؟ سرانجام آن به جانب پروردگار توست. تو فقط بیم‌دهنده کسی هستی که از آن بترسد (ترجمه بهرام پور).

ضمایر این متن بدون مرجع ذکر شده است و از نظر عوامل انسجام، این ترجمه در این قسمت از ترجمه صفوی ضعیف است، اما می‌توان یکی از موارد انسجام ترجمه بهرام پور را تکرار ضمیر «ش» دانست که در متن به آسمان بازمی‌گردد:

۷. «أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقاً أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا. رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا. وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا» (نازعات: ۲۷ - ۲۹): آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا آسمان که بنایش کرد؟ سقش را برافراشت و آن را سامان داد. و شبش را تاریک و روزش را نمایان کرد (ترجمه بهرام پور).
۸. «كَانَ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبِتُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا» (نازعات: ۴۶).

در این نمونه نیز، تفاوت دو ترجمه و هماهنگی بیش تر ترجمه صفوی با متن قرآن کریم مشاهده می شود؛ یعنی در این نمونه ضمائر «هم» و «ها» به کار رفته که در ترجمه صفوی هر سه مورد در ترجمه آمده است، اما در ترجمه بهرام پور این هماهنگی مشاهده نمی شود. پس، می توان گفت که اگر از ادات انسجامی، عامل ارجاع بیش تر در متن به کار رود و یا در پیاده سازی آن در متن دقت بیش تری شود، آن متن منسجم تر خواهد بود، چه این که در ترجمه صفوی کاربست این عامل در مقایسه با ترجمه بهرام پور بسامد بیش تری دارد. متن دو ترجمه در ادامه آورده می شود.

«آنان بدانند که رستاخیز نزدیک است. روزی که آن را ببینند، گویی در قبرهایشان جز به اندازۀ عصرگاه روزی یا چاشت آن بیش تر نمانده اند» (ترجمه صفوی).

«روزی که آن را ببینند [پندارند که]، گویی توقعشان [در دنیا] جز شامگاهی یا بامدادی بیش نبوده است» (ترجمه بهرام پور).

در کل، هر ارجاعی انسجام بخش نیست، بلکه انسجامی مدنظر است که پیش انگاری مطلبی ذکر شود که قبلاً در سخن آمده است؛ خواه در یک جمله پیش و خواه در چندین جمله پیشین (به جو ۱۳۷۷ ش: ۱۹۳).

در ادامه و در جدول ۲ با تکیه بر انسجام واژگانی نظریه هلیدی و حسن، میزان تکرار واژگان پرسامد و اثرگذار در متن ترجمه بررسی می شود.

جدول ۲. میزان تکرار واژگان پرسامد و اثرگذار در ترجمه صفوی و بهرام پور از سوره نازعات

ترجمه بهرام پور				ترجمه صفوی			
فرشتگان/ ۳	سوگند/ ۲	خدا/ ۲	جان/ ۲	سوگند/ ۴	خدا/ ۷	جهان/ ۲	شد/ ۲
باشند/ ۲	است/ ۹	روز/ ۵	دنیا/ ۲	رخ دهد/ ۲	روز/ ۶	دل/ ۳	دنیا/ ۳
گفتن/ ۲	پروردگار/ ۵	دورخ/ ۲	بترسد/ ۲	می شنویم/ ۳	گفتند/ ۲	است/ ۱۱	زنده/ ۳
اوست/ ۲				زمین/ ۳	می گیرند/ ۲	پیامبر/ ۲	موسی/ ۴
				رسالت/ ۳	فرعون/ ۳	طغیان/ ۲	ندا در داد/ ۲
				پروردگار/ ۲	عذاب/ ۲	آسمان/ ۲	آفرینش/ ۳
				آخرت/ ۳	دوزخ/ ۲	قیامت/ ۳	

تکرار واژه بر انسجام متن اثرگذار است و هر قدر واژگان بیش تر باشد متن انسجام بیش تری خواهد داشت، زیرا تکرار موجب برقراری شبکه‌ای از روابط بین عناصر در متن می‌شود که انسجام در متن را در پی دارد و عناصر تکرار شده در متن ساختار متن را محکم و جانب دلالتی آن را تقویت می‌کند (حلو۲۰۱۲ م: ۲۰).

با دقت در جدول تعیین بسامد واژگان (جدول ۲)، تحلیل به این صورت استوار می‌شود که بسامد در تکرار واژگان در ترجمه صفوی اعداد ۲، ۳، ۴ است و نشان می‌دهد که هر قدر بسامد یک واژه در آیات افزایش یابد، نقش مؤثرتری در تبیین معنای سوره ایفا می‌کند.

رویکرد تکرار در ترجمه «صفوی» دارای نمایش بیش تری است. به طوری که به تکرار فعلی و اسمی در متن باز می‌گردد. به سخن دیگر، ترجمه بهرام پور در این قسمت ضعیف تر است؛ چون بسامد تکرار در ترجمه صفوی ۹۰ و در ترجمه بهرام پور ۴۱ است. از این رو، ترجمه بهرام پور از صفوی انسجام کم تری دارد، زیرا واژگان مهمی که موجب تشکیل انسجام در متن است کم تر در این ترجمه دیده می‌شود. بنابراین، تکرار کلمات مهم و مؤثر مضمون اصلی متن را بارزتر و فهم آن را آسان تر می‌کند (محمد ۲۰۰۹ م: ۱۰۵).

در آیات قرآن، کاربرد ابزار تکرار در سوره نازعات فقط در سه کلمه مشاهده شد: الله دو بار، یوم سه بار، رب پنج بار. در خور توجه این که در ترجمه صفوی تعداد تکرار واژه خدا کاملاً منطبق بر سوره نازعات است، اما در ترجمه بهرام پور این ضعف مشاهده می‌شود. حذف در ترجمه‌های بهرام پور و صفوی بر اساس کتب اعراب القرآن در جدول ۳ تدوین شده است.

جدول ۳. حذف در ترجمه‌های بهرام پور و صفوی از آیات سوره نازعات، بر اساس کتب اعراب القرآن

ترجمه صفوی	ترجمه بهرام پور
(من) به نام خداوند گسترده مهر مهربان (استعانت می جویم) (۱).	(من) به نام خداوند هستی بخش مهربان (استعانت می جویم).
(من = خدا) سوگند به آن فرشتگانی که از پایگاه های خود برای انجام مأموریت الهی، مجدانه از جا بر می خیزند (می خورم) (که شما به طور یقین مبعوث خواهید شد) (۱)،	۱ (من = خدا) سوگند به فرشتگانی که به سختی [جان ها] را بر می کنند (می خورم که شما برانگیخته خواهید شد)،
و (من = خدا) سوگند به آنان که چون از جایگاه خود بیرون روند، به آسانی خارج می شوند (می خورم) (که	۲ و (من = خدا) فرشتگانی که [جان مؤمنان] را با مدارا می گیرند (می خورم که شما برانگیخته خواهید شد)،
	۳ و (من = خدا) سوگند به فرشتگانی که بسی تیزروند

<p>(می خورم که شما برانگیخته خواهد شد)، ۴ پس (فرشتگان) بر یکدیگر پیشی گیرند، ۵ و آنان که امور (جهان) را تدبیر می کنند. ۷ و در پی آن (زلزله)، لرزه ای [دیگر] رخ دهد، ۸ دل‌هایی در آن روز (از ترس) مضطرب باشد. ۹ دیدگان نشان هراسناک (است) و فرو شکسته است. ۱۰ (با یکدیگر) گویند: آیا ما به زندگی مجدد بازگردانده می شویم؟ ۱۲ (در پاسخ) گویند: در این صورت آن بازگشتی زیان‌بار است. (ای پیامبر) آیا داستان موسی به تو رسیده است؟ (ای موسی) به سوی فرعون برو که او سر برداشته است. ۱۸ پس (به او) بگو: (ای فرعون) آیا می خواهی پاکیزه شوی؟ ۲۰ پس (موسی) بزرگ‌ترین معجزه را به وی نشان داد. ۲۲ آن‌گاه (از خدا) روی گردانید و (علیه موسی) دست به کار شد. ۲۳ (فرعون) [و مردم را] جمع کرد و (برسر مردم) فریاد برآورد. ۲۷ آیا آفرینش شما (برای خدا) سخت‌تر است یا آسمان که بنایش کرد؟ ۳۵ آن روز است که آدمی آن‌چه را کوشیده (است) به یاد آورد. ۳۷ پس اما آن که (از فرمان خدا) سرکشی کرد، ۴۲ (ای پیامبر) از تو درباره رستاخیز می پرسند که برپائیش کی است؟ ۴۳ تو را با سخن گفتن در آن چه کار (است)؟ ۴۴ سرانجام آن (قیامت) به جانب پروردگار توست.</p>	<p>شما به طور یقین مبعوث خواهید شد) (۲)، و (من=خدا) سوگند به آنان که چون روند شتاب می ورزند (می خورم) (که شما به طور یقین مبعوث خواهید شد) (۳)، و (فرشتگان) به سوی آن‌چه خدا اراده کرده است چنان‌که باید سبقت می گیرند (۴)، و (آنان) کار جهان را تدبیر می کنند؛ به همه این‌ها سوگند که شما برانگیخته خواهید شد (۵)؛ (یاد کن) در آن روز (قیامت) که صبحه‌ای بزرگ رخ دهد (۶). و از پی آن (روز) بانگی دیگر برخیزد (۷). آن روز که چنین شود، دل‌هایی (از ترس) بلرزند (۸). آنان (با یکدیگر) در دنیا می گفتند: آیا پس از مرگ به حالت اول بازگردانده می شویم (۱۰)؟ و به ریشخند (به یکدیگر) گفتند: در این صورت، این بازگشتی زیان‌بار است (۱۲). اما زنده کردن مردگان بر ما دشوار نیست؛ آن (روز) تنها یک بانگ است که برمی آید و آن‌ها را می راند (۱۳). و (آنان) ناگهان زنده از دل خاک برآمده، روی زمین هموار قرار می گیرند (۱۴). (ای موسی) به سوی فرعون برو که او طغیان کرده و بندگی خدا را وانهاده است (۱۷). و به او بگو: (ای فرعون) آیا دوست داری که دل از طغیان بشویی و به پاکی رسی (۱۸)؟ سپس (فرعون به خدا) پشت کرد و برای مبارزه با رسالت موسی به تلاش برخاست (۲۲). آن‌گاه (فرعون) مردم را گرد آورد و (به آنان) ندا درداد (۲۳). و گفت: منم برترین پروردگار شما (هستم) (۲۴). ای منکران رستاخیز، آیا آفرینش شما (منکران) سخت‌تر</p>
--	--

<p>۴۵ تو فقط بیم‌دهنده کسی هستی که از آن (روز) بترسد.</p> <p>۴۶ روزی که (مردم) آن را ببینند [پندارند که]، گویی توفشان [در دنیا] جز شامگاهی یا بامدادی بیش نبوده است.</p>	<p>است یا آفرینش آسمان که خدا آن را بنا کرده است (۲۷). اما آن‌کس که سرکشی کرده (است) و از مرز بندگی خدا خارج شده (است) (۳۷)،</p> <p>و زندگی دنیا را برگزیده (است) و آخرت را فراموش کرده است (۳۸)،</p> <p>و اما آن‌کس که از مقام و مرتبه پروردگارش ترسیده (است) و نفس خود را از هوا و هوس بازداشته است، (۴۰).</p> <p>مشرکان به تمسخر از تو (پیامبر) می‌پرسند: قیامت چه زمانی برپا می‌شود (۴۲)؟</p> <p>پس خبر دادن از زمان قیامت برعهده تو نیست، تو فقط هشداردهنده‌ای (هستی) و کسی را هشدار می‌دهی که درخور ترس از رستاخیز باشد (۴۵).</p>
--	---

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، حذف در ترجمه صفوی و بهرام‌پور در صورت‌های مختلفی رخ داده است. حذف در این دو ترجمه به دلیل وجود قرینه انجام گرفته است. بنابراین، هیچ‌گاه سبب انحراف و سردرگمی خواننده نمی‌شود و هیچ خللی در استمرار و تداوم معنای متن ترجمه وارد نشده است. حذف در بعضی از قسمت‌های ترجمه با وجود قرینه لفظی و معنوی سبب ایجاز متن و مانع از اطناب آن می‌شود و نیز سبب فعال شدن ذهن خواننده می‌شود و او را به جست‌وجوی معنای محتوای متن ترجمه وامی‌دارد؛ مثلاً در هر دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور، جمله مشترک «به‌نام خداوند گسترده‌مهر مهربان» در اصل «(من) به‌نام خداوند گسترده‌مهر مهربان (استعانت می‌جویم)» و «(من) به‌نام خداوند هستی‌بخش مهربان (استعانت می‌جویم)» بوده است. در این جمله، ضمیر «من» در فعل «استعانت می‌جویم» حذف شده است.

با دقت در جدول‌های ۱ و ۳ در این مقاله، می‌توان نمونه‌ای از کاربرد ادوات انسجامی را مشاهده کرد و نیز با مشاهده این دو جدول می‌توان به گوشه‌ای از میزان کاربرد انسجام متن در این دو ترجمه پی برد. از این رو، سعی شده است تا به چند نمونه از این کاربردها اکتفا شود:

۱. «{استعین} بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ{اقسم} النَّازِعَاتِ {نزعا} غَرَقًا {لتبعثن}» (نازعات: ۱)، (در این باره، بنگرید به عکبری ۱۴۱۹ ق: ۳۸۵).

ترجمه صفوی: «...} به نام خداوند گسترده مهر مهربان {...}؛ {...} سوگند به آن فرشتگانی که از پایگاه‌های خود برای انجام مأموریت الهی، مجدانه از جا برمی‌خیزند {...}».

ترجمه بهرام‌پور: «...} به نام خداوند هستی‌بخش مهربان {...}؛ {...} سوگند به فرشتگانی که به سختی [جان‌ها] را برمی‌کنند {...}».

۲. «فَ {يُدَبِّرْنَ} الْمُدَبِّرَاتِ أُمَّرًا» (نازعات: ۵) (در این باره، بنگرید به عکبری ۱۴۱۹ ق: ۳۸۵).

ترجمه صفوی: «...} کار جهان را تدبیر می‌کنند».

ترجمه بهرام‌پور: «و آنان که {...} امور را تدبیر می‌کنند».

۳. «{اذكُرْ} يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّأْجِفَةُ» (نازعات: ۶)، (در این باره، بنگرید به عکبری ۱۴۱۹ ق: ۳۸۵).

ترجمه صفوی: «...} در آن روز که صیحه‌ای بزرگ رخ دهد».

ترجمه بهرام‌پور: «...} روزی که آن زلزله [وحشت‌ناک] همه چیز را بلرزاند».

۴. «{يَقُولُونَ} {أَصْحَابُ الْقُلُوبِ وَ الْإِبْصَارِ} أَعْنَاءًا لِمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ» (نازعات: ۱۰)، (در این باره، بنگرید به عکبری ۱۴۱۹ ق: ۳۸۵).

ترجمه صفوی: «آنان {...} در دنیا می‌گفتند: آیا پس از مرگ به حالت اول بازگردانده می‌شویم؟»

ترجمه بهرام‌پور: «...} گویند: آیا ما به زندگی مجدد بازگردانده می‌شویم؟»

۵. «{إِن} {أَذْهَبَ} إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى» (نازعات: ۱۷)، (در این باره، بنگرید به عکبری ۱۴۱۹ ق: ۳۸۵).

ترجمه صفوی: «...} به سوی فرعون برو که او طغیان کرده و بندگی خدا را وانهاده است».

ترجمه بهرام‌پور: «...} به سوی فرعون برو که او سر برداشته است».

در زبان فارسی، برخی از واژگان به علت کثرت کاربرد یا وضع واضعین به هم‌نشینی با یک‌دیگر بسیار تمایل دارند و نیز روابط هم‌نشینی به آن صحنه می‌گذارد. از این رو، در این بخش از پژوهش، به روابطی می‌پردازیم که میان واژگان است، از جمله رابطه هم‌آیی. به نظر هیلیدی و رقیه حسن، هم‌معنایی و تضاد معنایی از زیرشاخه‌های هم‌آیی است که موجب انسجام متن می‌شود (Halliday and Hasan 1976: 284). بدین صورت که واژگان هم‌معنا در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند که موجب انسجام سخن است. به سخن دیگر، هم‌معنایی

همان‌طور که از خود لفظ مشهود است، ناظر به شباهت معنایی است. برای بررسی جمله به جمله عامل هم‌آیی (هم‌معنایی و تضاد معنایی) در دو ترجمه صفوی و بهرام پور به تحلیلی که در ادامه آورده می‌شود، دقت کنید.

از زیرمجموعه‌های انسجام واژگانی تضاد معنایی است که در هر دو ترجمه بهرام پور و صفوی به‌طور یک‌سان ذکر شده است. بنابراین، به موارد تضاد معنایی در این دو ترجمه اشاره می‌شود که عبارت است از «اغتش و اخرج» به معنای داخل شدن و خارج شدن، «لیلها و ضحاها» به معنای شب و روز، «جحیم و جنة» به معنای بهشت و جهنم، «الآخرة و الاولى» به معنای دنیا و آخرت.

از زیرمجموعه‌های انسجام واژگانی^۲ ترادف معنایی واژگان است که موارد یافته شده عبارت است از «گسترده مهر، مهربان»؛ «شتاب می‌ورزند، سبقت می‌گیرند»؛ «برمی‌خیزند، برخیزد»؛ «صیحه، بانگی»؛ «برو، رفت»؛ «راه نمایم، نشان داد»؛ «طغیان کرده، نافرمانی کرد»؛ «برافراشت، موزون ساخت»؛ «در آورد، رویانید»؛ «سرکشی کرده، خارج شده»؛ «رستاخیز، قیامت»؛ «زمان، هنگام».

هلیدی و حسن عوامل ربطی را به چهار دسته افزایشی، تقابلی، علی، زمانی تقسیم کرده‌اند. عوامل ربطی بسیار در برقراری پیوند منطقی و اساسی در متن مؤثرند و با الفاظی مانند اگر، چون، زیرا، بنابراین در متن شناخته می‌شوند. برای بررسی عوامل انسجام پیوندی (ربطی) در دو ترجمه مذکور، با توجه به مبانی نظری بیان شده به جدول ۴ توجه کنید.

جدول ۴. عوامل انسجام پیوندی در ترجمه صفوی و بهرام پور از آیات سوره نازعات

ترجمه صفوی	ترجمه بهرام پور
آیا آن‌گاه (ربط زمانی) که چند استخوان پوسیده و خرد گشتیم دوباره زنده می‌شویم (۱۱)؟	۴ پس (ربط علی) بر یک‌دیگر پیشی گیرند.
اما (ربط تقابلی) زنده کردن مردگان بر ما دشوار نیست؛ آن تنها یک بانگ است که برمی‌آید و آن‌ها را می‌راند (۱۳).	۱۳ ولی (ربط تقابلی) این بازگشت تنها با یک نهیب واقع می‌شود.
آن‌گاه (ربط زمانی) که پروردگارش او را در وادی مقدس «طوی» به رسالت برگزید و به وی ندا درداد (۱۶).	۱۴ پس (ربط علی) به ناگاه همگی بر عرصه محشر ظاهر می‌شوند.
آن‌گاه (ربط زمانی) مردم را گرد آورد و ندا درداد (۲۳).	۱۶ آن وقت (ربط زمانی) که پروردگارش او را در وادی مقدس «طوی» ندا داد.
	۱۸ پس (ربط علی) بگو: آیا می‌خواهی پاکیزه شوی؟

<p>۱۹ و من تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا (ربط علی) خداترس شوی؟</p> <p>۲۰ پس (ربط علی) بزرگ‌ترین معجزه را به وی نشان داد.</p> <p>۲۱ اما (ربط تقابلی) او تکذیب کرد و نافرمانی نمود.</p> <p>۲۲ آن‌گاه (ربط زمانی) روی گردانید و دست‌به‌کار شد.</p> <p>۲۴ پس (ربط علی) گفت: من پروردگار برتر شمایم.</p> <p>۲۵ پس (ربط علی) خدا او را به کیفر آخرت و عذاب این دنیا بگرفت.</p> <p>۳۰ و پس (ربط علی) از آن زمین را بگسترد.</p> <p>۳۳ تا (ربط علی) شما و چهارپایانان را بهره‌ای باشد.</p> <p>۳۴ پس (ربط علی) چون آن مصیبت بزرگ دررسد.</p> <p>۳۷ پس (ربط علی) اما (ربط تقابلی) آن که سرکشی کرد.</p> <p>۳۹ پس (ربط علی) همانا دوزخ جایگاه اوست.</p> <p>۴۰ و اما (ربط تقابلی) آن کس که از مقام پروردگارش ترسان بود و خویشتن را از هوس‌ها بازداشت،</p> <p>۴۱ پس (ربط علی) همانا بهشت جایگاه اوست.</p> <p>۴۶ روزی که آن را ببیند [پندارند که]، گویی توفغشان [در دنیا] جز شامگاهی یا (ربط افزایشی) بامدادی بیش نبوده است.</p>	<p>پس (ربط علی) خدا او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت (۲۵).</p> <p>ای منکران رستاخیز، آیا آفرینش شما سخت‌تر است یا (ربط افزایشی) آفرینش آسمان که خدا آن را بنا کرده است (۲۷).</p> <p>تا (ربط علی) شما و دام‌هایتان را بهره‌مند سازد (۳۳).</p> <p>این جهان سرانجام به آخرت خواهد پیوست. پس (ربط علی) وقتی که (ربط زمانی) آن بزرگ‌ترین هنگامه سهمگین رخ دهد (۳۴)،</p> <p>و دوزخ برای کسی که دیده‌ای دارد که بدان ببیند نمایانده شود، آن‌گاه (ربط زمانی) آدمیان دو دسته شوند (۳۶).</p> <p>اما (ربط تقابلی) آن کس که سرکشی کرده و از مرز بندگی خدا خارج شده (۳۷)،</p> <p>و اما (ربط تقابلی) آن کس که از مقام و مرتبه پروردگارش ترسیده و نفس خود را از هواوهوس بازداشته است (۴۰)،</p> <p>پس (ربط علی) خبر دادن از زمان قیامت برعهده تو نیست، تو فقط هشداردهنده‌ای و کسی را هشدار می‌دهی که درخور ترس از رستاخیز باشد (۴۵).</p> <p>آنان بدانند که رستاخیز نزدیک است. روزی که آن را ببینند، گویی در قبرهایشان جز به اندازه عصرگاه روزی یا (ربط افزایشی) چاشت آن بیش تر نمانده‌اند (۴۶).</p>
---	--

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، انسجام از نوع ربطی به چهار دسته افزایشی و علی و تقابلی و زمانی تقسیم شده که هر یک به فراخور موضوع متن در ترجمه آیات سوره نازعات به کار گرفته شده است. در ادامه، با بررسی عوامل انسجام شباهت و یکسانی در دو ترجمه و سنجش میزان انسجام دو ترجمه، قضاوت نهایی در مورد این دو ترجمه انجام خواهد گرفت.

در جدول‌های ۵ و ۶، برای محاسبه دقیق انسجام کلی دو ترجمه نیاز است تا از روش آماری مدد جسته شود، زیرا روش آماری کاربردی‌تر از روش ادبی در تمییز دو ترجمه خواهد بود. روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در ترجمه صفوی و بهرام‌پور در دو

جدول زیر دسته‌بندی شده است، اما برطبق نظریه هلیدی و حسن، چون عوامل دستوری و واژگانی زیرمجموعه و تشکیل دهنده زنجیره شباهت و یکسانی‌اند، انسجام متن را تشکیل می‌دهند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به سارلی و ایشانی ۱۳۹۰ ش: ۲۶) و عوامل ربط به هر دو گروه عوامل واژگانی و دستوری تعلق دارند؛ یعنی هم از طریق دستور و هم واژگان به‌مدد انسجام متن می‌رسند.

جدول ۵. عوامل انسجام ترجمه صفوی از آیات سوره نازعات در نگاه کلی

بسامد	آن (آیات: ۱-۳-۱۰)، آن (۶-۷-۸-۱۳-۱۳-۱۹-۲۷-۲۸-۳۰-۳۱-۳۴-۳۵-۳۷-۴۰-۴۳-۴۴-۴۶)، شان (۹-۴۶)، تو (۱۵-۱۹-۴۲-۴۴-۴۵)، ما (۱۳)، ش (۱۶-۱۹-۲۸-۲۹-۳۱-۴۴)، او (۱۶-۱۷-۱۸-۲۰-۲۱-۲۵-۲۹-۳۹-۴۱-۴۴)، وی (۱۶)، ت (۱۹-۳۳)، م (۲۴)، شما (۲۷).	ارجاع	عوامل انسجام دستوری با شماره آیات
۵۸	من (= خدا) (آیات: ۱-۲)، استعانت می‌جویم (۱)، مبعوث خواهید شد (۱-۲-۳)، فرشتگان (۴)، آنان (۵-۲۳-۱۴)، قیامت (۶)، روز (۷-۱۳)، ترس (۸)، یک‌دیگر (۱۰-۱۲)، ای موسی (۱۷)، ای فرعون (۲۳-۱۸)، فرعون به خدا (۲۲)، هشتم (۲۴)، منکران (۲۷)، است (۳۷-۳۸-۴۰)، پیامبر (۴۲)، هستی (۴۵).	حذف و جانشینی	
۲۸	سوگند (۴ بار)، خدا (۷ بار)، جهان (۲ بار)، شد (۲ بار)، رخ دهد (۲ بار)، روز (۶ بار)، دل (۳ بار)، دنیا (۳ بار)، می‌شنویم (۳ بار)، گفتند (۲ بار)، است (۱۱ بار)، زنده (۳ بار)، زمین (۳ بار)، می‌گیرند (۲ بار)، پیامبر (۲ بار)، موسی (۴ بار)، رسالت (۳ بار)، فرعون (۳ بار)، طغیان (۲ بار)، ندا داد (۲ بار)، پروردگار (۲ بار)، عذاب (۲ بار)، آسمان (۲ بار)، آفرینش (۳ بار)، آخرت (۳ بار)، دوزخ (۲ بار)، قیامت (۳ بار).	تکرار	
۹۰	داخل شدن و خارج شدن؛ شب و روز؛ بهشت و جهنم؛ دنیا و آخرت.	تضاد	عوامل انسجام واژگانی
۴	«گسترده‌مهر، مهربان»؛ «شتاب می‌ورزند، سبقت می‌گیرند»؛ «برمی‌خیزند، برخیزد»؛ «صیحه، بانگی»؛ «برو، رفت»؛ «راه نمایم، نشان داد»؛ «طغیان کرده، نافرمانی کرد»؛ «برافراشت، موزون ساخت»؛ «درآورد، رویانید»؛ «سرکشی کرده، خارج شده»؛ «رستاخیز، قیامت»؛ «زمان، هنگام».	هم‌معنایی	
۱۲	بندگی خدا، شناخت پروردگارت، رسالت موسی، عذاب آخرت، آفرینش آسمان، مرز بندگی، زندگی دنیا، امر قیامت، مأموریت الهی، کار جهان، استخوان پوسیده، وادی مقدس، بهشت و جهنم، بزرگ‌ترین آیت.	هم‌آبی	
۱۴	بسامد کل ترجمه صفوی: ۲۰۶		

جدول ۶. عوامل انسجام ترجمه بهرام‌پور از آیات سوره نازعات در نگاه کلی

بسامد	آنان (۱)، آن (۶-۷-۸-۱۲-۳۰-۳۱-۳۵-۳۴-۳۷-۴۳-۴۴-۴۶)، شان/ش (۹-۱۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۱-۴۰-۴۲-۴۶)، ما (۱۰)، توات (۱۳-۱۹-۱۹-۴۲-۴۳-۴۴)، ما (۱۰)، او (۱۶-۱۷-۲۱-۲۵-۳۹-۴۱)، وی (۲۰)، تان (۳۳)، ام (۲۴)، شما (۳۳).	ارجاع	عوامل انسجام دستوری با شماره آیات
۳۹	من (=خدا) (۱-۳)، استعانت می‌جویم (۱)، می‌خورم که شما برانگیخته خواهید شد (۱-۲-۳)، فرشتگان (۴)، جهان (۵)، زلزله (۷)، ترس (۸)، است (۹-۳۵-۴۳)، با یک‌دیگر (۱۰)، در پاسخ (۱۱)، ای پیامبر (۴۲)، ای موسی، ای فرعون (۱۸)، موسی (۲۰)، از خدا (۲۲)، علیه موسی (۲۲)، فرعون (۲۳)، برسر مردم (۲۳)، برای خدا (۲۷)، از فرمان خدا (۳۷)، قیامت (۴۴)، روز (۴۵)، مردم (۴۶).	حذف و جانمایی	
۳۸	فرشتگان (۳ بار)، سوگند (۲ بار)، خدا (۲ بار)، جان (۲ بار)، باشد (۲ بار)، است (۱۱ بار)، روز (۵ بار)، دنیا (۲ بار)، گفتن (۲ بار)، پروردگار (۵ بار)، دوزخ (۲ بار)، بترسد (۲ بار).	تکرار	عوامل انسجام واژگانی
۴	تاریک و نمایان؛ شب و روز؛ بهشت و جهنم؛ دنیا و آخرت	تضاد	
۵	«برمی‌کنند و می‌گیرند»؛ «تیز روند و پیشی گیرند»؛ «هراسناک و فروشکسته»؛ «بازگردانده می‌شویم و باز می‌گردیم»؛ «تکذیب کرد و روی گردانید».	هم معنایی	
۱۳	هستی‌بخش، جان مؤمنان، زلزله و حشتناک، زندگی مجدد، عرصه محشر، وادی مقدس، خدا ترس، بزرگ‌ترین معجزه، پروردگار برتر، کیفر آخرت، مصیبت بزرگ، زندگی پست، بیم‌دهنده.	هم‌آیی	
بسامد کل ترجمه بهرام‌پور: ۱۳۰			

باتوجه به جدول‌های ۵ و ۶ که انسجام دو متن در نگاه کلی جمع‌آوری شده است، بسامد هریک از عوامل به صورت آماری برشمرده شده است. با این‌که در نگاه تحلیلی، تفاوت دو ترجمه مشهود است، با روش آماری مخاطب می‌تواند به راحتی تفاوت دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور و میزان انسجام هریک از دو ترجمه را به خوبی دریابد.

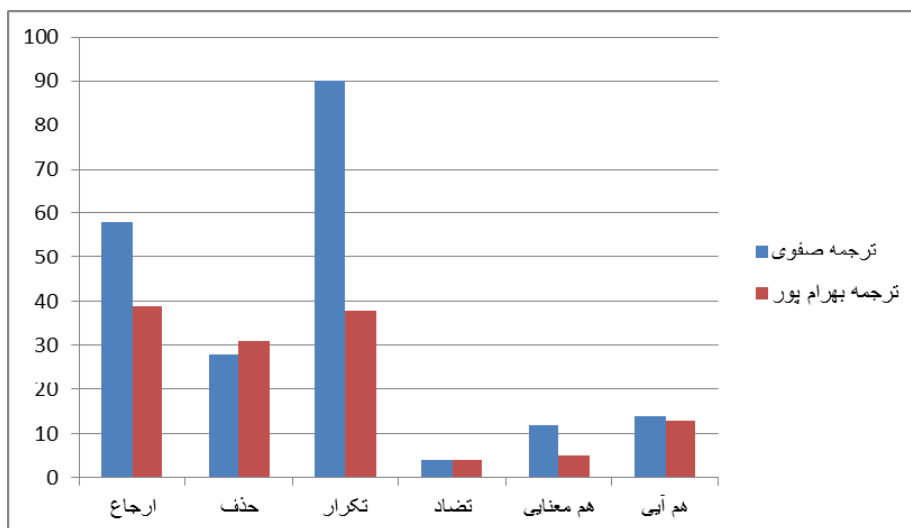
۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، باتوجه به نظریه انسجام هلیدی و حسن، دو ترجمه صفوی و بهرام‌پور از سوره مبارکه نازعات بررسی شد و براساس تحلیل داده‌های حاصل از هر ترجمه این نتایج به دست آمد که بدین قرارند:

۱. در بررسی تطبیقی دو ترجمه صفوی و بهرام پور، که ترجمه‌هایی فارسی از قرآن به‌شمار می‌روند، داشتن منبع واحد، این امکان را برای بررسی ادوات انسجام در این دو ترجمه مهیا کرده است. ترجمه‌های حاضر می‌توانند به راحتی در محک مقایسه با یکدیگر قرار گیرند، اما از آن‌جا که قرآن کریم به زبان عربی به بشر اعطا شده و در اوج فصاحت و بلاغت است و محتوای آن نیز از مفاهیم غنی لبریز است، باید به این مهم اذعان کرد که هر قدر هم ترجمه‌ها دقیق باشند، هیچ‌گاه بدون اشکال نخواهند بود، اما باز هم می‌توان با ابزار انسجام‌بخشی در متن میزان دقت نویسنده را از منظر ادوات انسجامی گذراند و به‌منزله ترازویی بر ارزش مندی آن به نکاتی دست یافت.

۲. عوامل انسجام در متن سوره نازعات به دو دسته انسجام دستوری و واژگانی تقسیم می‌شود و زیرمجموعه عوامل انسجام دستوری شامل ارجاع و حذف و عوامل انسجام واژگانی شامل تکرار، تضاد، هم‌معنایی، و هم‌آیی است.

۳. تعداد کل نمونه‌های انسجام در ترجمه صفوی ۲۰۶ و در ترجمه بهرام پور ۱۳۰ محاسبه شد و براساس نمودار زیر، به‌طور کلی از لحاظ آماری و تطبیقی ترجمه صفوی از ترجمه بهرام پور انسجام بیشتری دارد و می‌توان در این پژوهش ادعا کرد که برتری از آن ترجمه صفوی است (نمودار ۱).



نمودار ۱. بررسی آماری و تطبیقی نمونه‌های انسجام در ترجمه صفوی و بهرام پور از آیات سوره نازعات

به لحاظ تحلیلی، می توان ضعف های متعددی را در ترجمه بهرام پور مشاهده کرد، در حالی که اغلب این اشکال ها بر ترجمه صفوی وارد نیست. برای مثال، در ترجمه بهرام پور بیش تر ضمیرها بدون مرجع ذکر شده است که براساس نظریه هلیدی و حسن، ضعف انسجام متنی دانسته می شود و در تفهیم و تأثیر در مخاطب کارآیی کمتری دارد.

۴. با توجه به نمودار ۱، برتری ترجمه صفوی بر بهرام پور به علت کاربست بیش تر عوامل انسجام دستوری در متن، یعنی ارجاع و حذف و جانشینی، است.

۵. می توان گفت در ترجمه بهرام پور و صفوی، جدای از تفاوت های مذکور، شباهت هایی هم به چشم می خورد؛ مثلاً در بحث تضاد که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی است، میزان بسامد بسیار شبیه یکدیگر است.

کتاب نامه

- قرآن کریم (۱۳۸۷ ش)، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران: سازان دار القرآن کریم.
- قرآن کریم (۱۳۸۸ ش)، ترجمه محمدرضا صفوی، قم: دفتر نشر معارف.
- امرایی، محمدحسن، غلامعباس رضایی هفتادری، و محمدتقی زندوکیلی (۱۳۹۶ ش)، «ارزیابی مقایسه ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هلیدی و حسن»، پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ش ۱۶.
- اورکی، غلامحسن و النخاص ویسی (۱۳۹۵ ش)، «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن برپایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن»، معارج، ش ۳.
- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵ ش)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- به جو، زهره (۱۳۷۷ ش)، «طرح کدبندی ابزارهای انسجام در زبان فارسی»، مجله فرهنگ، ش ۲۵ و ۲۶.
- پاشازانوس، احمد، علیرضا نظری، و مریم فولادی (۱۳۹۴ ش)، «تحلیل عناصر نقش مند در انسجام بخشی به ساختار آوایی متن قرآن»، پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۷.
- پروینی، خلیل و علیرضا نظری (۱۳۹۳ ش)، «بررسی نقش عامل تکرار در انسجام بخشی به خطبه های نهج البلاغه براساس الگوی انسجام هلیدی و حسن»، زبان پژوهی، ش ۱۰.
- حلو، نوال بنت ابراهیم (۲۰۱۲ م)، اثر التکرار فی التماسک النصی مقاربه معجمیه تطبیقیه فی ضوء مقالات د. خالد منیف، ریاض: جامعة الامیره نوره بنت عبدالرحمن.
- زندوکیلی، محمدتقی و محمدحسن امرایی (۱۳۹۶ ش)، «ارزیابی مقایسه ای ابزارهای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از محمدمهدی فولادوند: ازدیدگاه نظریه هلیدی و حسن (۱۹۸۵ م)»، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، ش ۷.

بررسی تطبیقی - تحلیلی ترجمه قرآن بهرام پور و صفوی بر پایه ... ۱۴۳

سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰ ش)، «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی (قصه نردبان)»، دوفصل نامه زبان پژوهی، س ۲، ش ۴.

شعبانلو، علیرضا، مهدی ملک‌ثابت، و یدالله جلالی پنداری (۱۳۸۷ ش)، «فرایند انسجام دستوری در شعری بلند از عمق بخارایی»، پژوهش‌های ادب عرفانی، ش ۵.

صدیقی، کلثوم و عاطفه ستایش مهر (۱۳۹۴ ش)، «بررسی تطبیقی "ارجاع" به عنوان یکی از عوامل "انسجام" متنی در نهج البلاغه؛ مطالعه مورد پژوهانه ترجمه فارسی و انگلیسی طاهره صفارزاده»، پژوهش نامه نهج البلاغه، ش ۱۲.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.

عکبری، عبدالله بن حسین (۱۴۱۹ ق)، التبیان فی اعراب القرآن، ریاض: بیت الافکار الدولية.

فتوحی، محمود (۱۳۹۰ ش)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.

لطفی پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۱ ش)، درآمدی بر اصول و روش ترجمه، تهران: نشر دانشگاهی.

محمد، عزة شبل (۲۰۰۹ م)، علم لغة النص النظرية و التطبيق، قاهره: مکتبه الآداب للطباعة والنشر والتوزيع.

مرآت، مرجان (۱۳۹۰ ش)، «انسجام واژگانی در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۶۵ و ۶۶.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹ ش)، تفسیر و مفسران، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.

معین‌الدینی، فاطمه (۱۳۸۲ ش)، «شگردهای ایجاد انسجام متن در کلیله و دمنه»، مجله فرهنگ، ش ۴۶ و ۴۷.

مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶ ش)، به سوی زبان‌شناسی شعر: ره‌یافتی نقش‌گرا، تهران: نشر مرکز.

نظری، علیرضا (۱۳۹۲ ش)، «کارکرد ادات ربطی در انسجام‌بخشی به خطبه‌های نهج البلاغه»، پژوهش نامه نهج البلاغه، ش ۳.

نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۲ ش)، «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ش ۹.

یارمحمدی، لطف‌اله (۱۳۸۳ ش)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: هرمس.

Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan (1976), *Cohesion in English*, London: Longman.

Halliday, M. A. K. and Ruqaiya Hasan (1985), *Language, Context and Text: Aspect of Language in Social - Semiotic Perspective*, United King: Oxford University Press.

Hasan, Ruqaiya (1984), "Coherence and Cohesive Harmony", *Understanding Reading Comprehensions, Language and Structure of Prose*:

<<https://onlinelibrary.wiley.com/dio/pdf/101002/9781405>>.